

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲
**افزایش ناچیز و شرم آور دستمزد با اعتراضات و اعتصابات سراسری
روبرو خواهد شد!**

صفحه ۳



**افزایش ناچیز و شرم آور دستمزد
با اعتراضات و اعتصابات سراسری روبرو خواهد شد!**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

در دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی

کاظم نیکخواه، صفحه ۳

درهم ریختگی صفوف حکومت و جنبش علیه فقر

شهلا دانشفر، صفحه ۲

آغاز سال جدید با طنین مرگ بر دیکتاتور بر فضای شهرها

نوروزتان پیروز، صفحه ۶

**تظاهرات بزرگ مردم زاهدان در اولین جمعه سال، فراخوان کارگران نیشکر
هفت تپه به تجمع علیه مصوبه شورای عالی کار و تجمع بازنشستگان در شوش**

صفحه ۹

**تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش و اهواز و کارگران نیشکر هفت
تپه علیه مصوبه شورای عالی کار و برای پیگیری مطالباتشان در کارخانه**

صفحه ۷

دو اطلاعیه از کمپین برای آزادی کارگران زندانی:

معلمان زندانی باید فوراً آزاد شوند

صفحه ۸

آخرین اخبار از سیسپیل کرلر، ژاک پاریس، رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان
مهتدی و رسول بدافی هنوز در زنداند

صفحه ۱۲

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۷۲

۷ فروردین ۱۴۰۲

۲۷ مارس ۲۰۲۳



چهارشنبه ها منتشر میشود

سرداران سپاه: در آستانه

فروپاشی هستیم

کاظم نیکخواه، صفحه ۷

مصوبه شورای عالی کار و

جدال بر سر دستمزد

شهلا دانشفر، صفحه ۲

از مدیای اجتماعی

بیانیه های کارگری در رابطه با

مصوبه مزدی شورای عالی کار

صفحات ۱۰-۱۳

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

شهلا دانشفر

درهم ریختگی صفوف حکومت و جنبش علیه فقر



مصوبه شورای عالی کار و جدال بر سر دستمزد

شهلا دانشفر

سرنگونی" دارد عزم خود را برای پایان دادن به این شرایط جهنمی فریاد میزند.

در این شرایط جدال بر سر دستمزد مستقیماً به خیابان وصل است. برای مقابله با چنین جنگی از طرف کارگران و میلیونها مردم پاخاسته، حکومت با اختصاص بودجه های نجومی به نیروهای سرکوب و دم و دستگاه مذهبی تلاش دارد تا بلکه ماشین به هم ریخته سرکوبش را سر و سامانی دهد. اما سوی دیگر انقلابی در جریان است و صف آرایی ها شکل گرفته است. وحشت حکومت از قدرت سازمانیافتگی و نیروی انقلاب مردم را در مباحثات درونی سران سپاه در حضور خامنه ای به روشنی شاهدیم.

این تصویر نشانگر جدال میان اکثریت مردم با حکومت و جایگاه امروزی جنگ بر سر دستمزد در این جدال برای زندگی انسانی است. بیانیه های جمعی کارگری علیه مصوبه شورای عالی کار با تاکید بر خواسته های حداقلی منشور بیست و یکم، به راه انداختن طومارهای اعتراضی در تمامی شهرها علیه این مصوبه برای عقب زدن سرکوب مزدی حکومت، حمایت از مبارزات بخشهای مختلف جامعه علیه فقر و بی تأمینی و شکل دادن به تجمعات متحد و سراسری و همبسته و تدارک اعتصابات سراسری راههایی فوری برای مقابله با تعرضات حکومت و برای پیشروی انقلابیست. به تدارک آن برویم.

مندرج در ژورنال شماره ۳۷۶

تصمیم شورای عالی کار و تصویب دستمزد ۵ میلیون و ۳۰۷ هزار تومانی موج گسترده ای از اعتراض را در میان کارگران و در سطح جامعه برانگیخت. هم اکنون طومارهای اعتراضی علیه این مصوبه به راه افتاده و طبق خبرها کارگران نیشکر هفت تپه علیه آن در پنجم فروردین در "محل سنگر" و سپس همراه با بازنشستگان تأمین اجتماعی در مقابل فرمانداری شوش تجمع خواهند داشت. زمینه های برپایی چنین تجمعاتی در همه شهرها وجود دارد و باید به تدارکش رفت. از جمله معلمان، بازنشستگان و کارگران از مراکز مختلف کارگری و برای مثال در صنعت نفت، سال ۱۴۰۱ را با اولتیماتوم به اعتراضات گسترده تر در سال جدید برای پیگیری مطالباتشان سپری کردند. اعتراض علیه فقر و گرانی امر همه مردم است و بیشترین پشتیبانی ها را به همراه خواهد داشت. این چنین است که مصوبه مزدی شورای عالی کار بطور واقعی آتشی دیگر بر باروت خشم و نفرت کارگران زده است. کارگران به این مصوبه و تصمیم گیری از بالای سرخود، به تعرض هر روزه به زندگیشان و به کل این بساط بردگی معترضند.

جدال بر سر دستمزد جنگ همیشگی کارگران با حکومت بوده است اما امسال در شرایط متفاوت و جدالی در دل انقلاب زن، زندگی، آزادیست. فقر و بی تأمینی ابعادی فاجعه بار دارد و کل جامعه علیه آن به پا خاسته است و با شعار "فقر، فساد، گرونی، میریم تا

حال ریزش و فرار است و نزاعهایشان بر سر دزدی هایشان به بالاترین درجه خود رسیده است. یک موضوع مهم نگرانی آنها فقر و فلاکت مردم است. دو مورد شاخص این سخنان گفته های سرتیب کریمیان و علی زرقانی است. کریمیان میگوید: "نمیشود با کسی که درد نان دارد مسلحانه عمل کنیم. وضع مردم خراب است. مردم برای روزی ۵۰ هزار تومان صبح اول وقت میروند سر کار کارگری میکنند بعد با گلوله ۱۵۰ هزار تومانی تولید داخل و خارج مزدشان را بدهیم". سرهنگ علی زرقانی میگوید "حضرت آقا مساله فقر مالی چه میان مردم چه در میان نیروهای نظامی کشور به گونه ای شده است که کشور را به شکل مداوم در بحران خواهد برد. حال ما بیاییم با کمک هزینه های دولت یا دست زدن به ترازهای قیمتی بخواهیم مدتی آرامش را به مردم برگردانیم، دوباره مدتی دیگر دچار بحران جدیدی خواهیم شد. نگاه از بالای دولت قبل و مقداری هم دولت جدید باعث شده است که دولتمرد ما یا

مدیر ما درک درستی از فشار وارده بر مردم را حس نکنند. شما همین الان از یکی از آقایان حاضر در جمع پرسید که قیمت مرغ یا گوشت امروز چند است، نمیدانند. این به دلیل بی توجهی نیست، به دلیل سهل الوصول بودن دسترسی به امکانات است که برای بعضی از آقایان در کشور فراهم شده است. وزارت اطلاعات در بیشترین حد از تجارت قرار دارد. بدلیل توان اطلاعاتی به روز خود میتواند با سود سرشار تجارت کند و این تجارت بخشی در اختیار این نهاد و بقیه در جیب برخی از دوستان در این نهاد میروند. شما نمیتوانید بگویید که نیرویی که امروز صبح روبروی مردم ایستاده است ممکن است بعد از ظهر و عصر خود را در میان معترضین سپری کند که بسیار پرونده های اینگونه

اخیراً سندی محرمانه از آرشیو جلسات فرماندهان سپاه پاسداران با خامنه ای توسط ایران وایر انتشار یافت که خواندنی است. این سند مربوطه به مباحثات جلسه خامنه ای با شماری از فرماندهان پاسداران انقلاب اسلامی است که در سیزدهم دیماه ۱۴۰۱ در کوران انقلاب برگزار شد. جلسه ای که پنجاه و هشت نفر مقامات نظامی و سیاسی در آن شرکت داشتند و مباحث آن تصویری تمام عیار از یک حکومت در حال سقوط و در هم ریخته را بدست میدهد. صحبت های هر یک از شرکت کنندگان در این نشست بازتابی از وضع به هم ریخته نیروهای تحت فرماندهی و بی روحیگی و فرسوده شدن آنها در برابر انقلاب است. حتی از ریزش ۶۸ درصدی نیرویشان میگویند. از این که نیروهای رده های پایین حاضر به شلیک به مردم نیستند سخن میگویند. از ابعاد سازمانیافتگی انقلاب و ترس بودن جوانان و ایستادگی مردم میگویند.

یک اشاره مهم آنها به اعتصاب کارگران نفت است و میگویند که اگر لیدرهای اعتصاب آنان دستگیر نمیشدند از نیمه آذرماه اعتصابات سراسری نفت و گاز و به دنبال آن بقیه اصناف کلید میخورد و باید ستاد بحران شان را تشکیل میدادند. اشاره دیگرشان به اعتراضات دانشجویان و دانش آموزان است. فریادشان از رده سنی چهارده تا سی سالگان بلند است که علمی و عملی در کف صحنه حضور دارند. رده ای که ترسی از زندانی شدن، تهدید شدن یا افشا شدن برای خانواده و جامعه ندارد و افشا شدن خود را افتخار بزرگی در میان دوستانش میداند. در این جلسه فرماندهان سپاه با چنین گزارشاتی تلاش میکنند ولی بقیه شان را نسبت به بحرانی بودن شرایط و لرزان بودن پایه های حکومتشان هشدار دهند. بدینگونه همچنانکه قابل تصور بود حکومتی را می بینیم که نیروهایش در



افزایش ناچیز و شرم آور دستمزد با اعتراضات و اعتصابات سراسری روبرو خواهد شد!

بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد حداقل دستمزد

فعلی است. با توجه به تورم لجام گسیخته، اکثریت عظیم مردم زحمتکشی که توان خرید ساده ترین اقلام مورد نیاز را نداشتند باز هم از قدرت خریدشان به شدت کاسته خواهد شد.

معنی این تصمیم جنایتکاران حاکم، گرسنگی واقعی تولیدکنندگان و زحمتکشان جامعه، کارگران و معلمان، بازنشستگان، کادر درمان، اکثریت کارمندان دولت، میلیونها جوان بیکار و عواقب فاجعه بار اجتماعی مانند رشد تن فروشی و اعتیاد و کارتن خوابی و ترک تحصیل کودکان و هزار مصیبت دیگر است. بودجه حاکمان مثل همیشه به نیروهای سرکوب و دم و دستگاه کثافت مذهب و حقوق های نجومی مقامات اختصاص یافته و اکثریت عظیم جامعه قربانیان این شرایطند. روشن است که کارگران و حقوق بگیران فقیر و زحمتکش زیر بار این وضعیت فاجعه بار نخواهند

شورای عالی کار حکومت باز هم با افزایش چندبرگاز حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۲ که حتی از نرخ تورم اعلام شده خودشان هم به مراتب کمتر است، جنایت آشکاری را علیه دهها میلیون نفر از مردمی که فی الحال چند بار زیر خط فقر زندگی میکنند مرتکب شد.

مفتخوران حاکم تصمیم به افزایش ۲۷ درصد حداقل دستمزد کارگران گرفتند. با این تصمیم حداقل دستمزد امسال ۵ میلیون و ۳۰۷ هزار تومان میشود. البته همین درصد هم شامل بخش قابل توجهی از کارگران نخواهد شد و فقط برای کف بگیران مزدی است که بخش کوچکی از کارگران مشمول قانون کار و بازنشستگان قبل از سال ۹۷ را در بر میگیرد. دستمزد متوسط بگیران فقط ۲۱ درصد افزایش می یابد و حقوق کارکنان دولت ۲۰ درصد. این به معنی کاهش عملی دستمزدهای زیر خط فقر

را برای افزایش دستمزدها و تحقق مطالبات خود تدارک خواهند دید. این بی شک با حمایت وسیع جامعه انقلابی و به جان آمده ایران روبرو خواهد شد. کارگران میتوانند همراه با زنان و جوانان انقلابی کار این حکومت را در سال ۱۴۰۲ یکسره کنند. این تنها و تنها راه پایان دادن به فقر و محرومیت و همه مشقاتی است که جنایتکاران اسلامی به اکثریت مردم تحمیل کرده اند.

زنده باد اعتراضات و اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزدها!
زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!
نابود باد جمهوری اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ فروردین ۱۴۰۲، ۲۳ مارس ۲۰۲۳

رفت و اینرا در بیانیهها و منشورها و فراخوانهایشان اعلام کرده اند. اما این تنها نقطه آغاز یک مبارزه عظیم اجتماعی و آغاز دوره ای از اعتصابات سراسری و تجمعات اعتراضی قدرتمند خواهد بود. حکومت در اوج بحران داخلی و خارجی است. انقلاب زن زندگی آزادی این رژیم را از هر سو محاصره کرده و تحت فشار قرار داده است. ماشین سرکوبش بحرانی و قدرت سرکوبش بشدت کاسته شده است. در مقابل این تصمیم پشیمانانه حکومت بخش های مختلف طبقه کارگر، معلمان و بازنشستگان و کادر درمان ساکت نخواهند نشست و در صفوفی متحد و یکپارچه تجمعات و اعتصابات سراسری

میتوان سال تدارک جامعه برای جارو کردن کامل جمهوری اسلامی دید. و این بستر حرکت انقلاب به جلو و قوام گرفتن بیشتر اعتراضات خیابانی و سرنگونی حکومت است. پیام مراسم های تحویل سال ۱۴۰۲ از سوی مردم با سردادن مرگ بر دیکتاتور و فریاد زن، زندگی، آزادی نیز همین است. مردم با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنیه ای سال جدید را تحویل گرفتند و عزم خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کردند. و این چیزی است که حکومتیان از آن به شدت وحشت دارند و موضوع هر روزه نشست های مقامات نظامی - سیاسی حکومت است.

جمهوری اسلامی باید برود و سال جدید سال عملی کردن این حکم است.

تداوم انقلاب اعتراض به وضع فلاکتبار زندگی که هر روز وخامت بیشتری پیدا میکند، گسترده تر میگردد و این خود را هر روزه در شعارهای کف خیابان و شعاردهی های شبانه با فریاد فقر، فساد، گرانی، میریم تا سرنگونی بازتاب میدهد. اعتراضی که پایه وسیع اجتماعی دارد و جمهوری اسلامی از آن بشدت وحشت دارد. یک پرچم مهم این اعتراض همین امروز سطح نازل دستمزدها و حقوقهاست و مصوبه شورای عالی کار آتش بر باروت خشم و نفرت مردم از وضعیت جهنمی جمهوری زد. از جمله ما شاهد صف آرایی قدرتمند تر بخش های مختلف کارگری نظیر معلمان، بازنشستگان، کارگران نفت و بخش های مختلف جامعه علیه فقر و گرانی و برای داشتن یک زندگی انسانی هستیم. اعتراض به مصوبه شورای عالی کار بر سر مزد بازتابی از آنست.

این چنین است که سال ۱۴۰۲ را

از صفحه ۲

درهم ریختگی صفوف ...

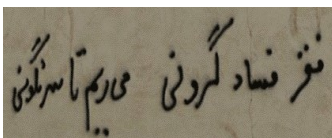
گزارش شده است و بعد از آن شب در منزل خود کنار همان افرادی از خانواده است که وسط خیابان بوده اند. این امر اینطور نیست که بگوییم از خانواده های نیروهای مسلح کسی در اجتماعات و اعتراضات حضور ندارد. حضرت آقا

افسری و نیروی سربازی که با مردم درگیر میشوند بخاطر شرایط این روزها دیگر خودش نیست این فرد وقتی صبح یا نیمه شب به شیفتمش میرود وقتی برمیگردد گویی کسی رفته و دیگری برگشته است، حال روحی مناسبی ندارد. کرختی خاصی در او دیده میشود. امروز میآید و فردا نمیآید. مرخصی تقاضا میکند به هر شکل کاری میکند که در محل کار حضور پیدا نکند. دریک روز ما هفده نیرو داشتیم که سرتیم بودند و تلفن کردند و استعلاجی رد کرده اند و ما مطمئن بودیم که این کار او بی دلیل است و فقط نمیخواهد در مقابله با مردم حاضر

شود. بودجه داشتن و نداشتن مساله اصلی نیست و جیبهایشان هم پر شد، وقتی نیرو دلش با مقابله با مردم نیست یعنی ما درسیستم کم کاری کرده ایم و کاستی داریم و سیستم ناکارآمد و خراب میشود.

این سخنان به روشنی هم بساط دزدسالار حکومت مافیایی حاکم و چپاولگری هایشان را به نمایش میگذارد و هم گوشه ای از فشار انقلاب را بر کرده حکومت بازتاب میدهد. انقلابی که هر روز سازمانیافته تر به جلو گام برداشته و با منشورهای مطالبات پیشروی خود جامعه ای را از استثمار و بردگی را ترسیم میکند و اینگونه است که چشم انداز پیروزی را مقابل ما میگذارد.

واقعیت اینست که یک موضوع انقلاب زن زندگی آزادی، اعتراض به فقر و بی تاملی و نفس داشتن یک زندگی شایسته انسان است. و امروز در



در دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی

کاظم نیکخواه



مربوط است و رابطه شهروندان با دولت را تعیین میکند و یکی به حوزه جرائم مدنی یا شخصی مربوط میشود.

طبعا کشیدن مرز میان آزادی بیان با این جنبه ها خیلی ساده نیست و بهترین کار همان است که هرچه بیشتر تغییراتی به نفع آزادی بیان صورت گیرد و افترا و توهین غیر جنائی اعلام گردد.

مساله اساسی اینست که دولت نباید اجازه داشته باشد با هیچ بهانه ای شهروندان را از نظر ابراز نظر، مخالفت و موافقت با مقدسات و یا به دلیل تشکیل یک سازمان و حزب و یا اعلام یک سیاست و یا داشتن یک عقیده و تفکر، یا کلا به دلیل انتقاد و طنز و هنر و کل اشکال بیان، محدود کند یا زیر فشار قرار دهد. امری که در جوامع استبداد زده کاملا حاکم است. یعنی دولت تعیین میکند که چه گفته شود و چگونه گفته شود و حتی چه هنری مجاز است و چه مجاز نیست. حتی اعتقادات و تفکر افراد در جوامعی مثل ایران کنترل میشود که به چه چیز معتقد باشند یا نباشند. اگر شما بی مذهب باشید، یا به خدا اعتقاد نداشته باشید یا به فرض به بهائیت معتقد باشید زندانی و سرکوب شوید. این منتهای سرکوب آزادی بیان و عقیده است.

به همین دلایل در قوانین کشور نباید هیچ قید و شرطی در مورد آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی تشکل و نقد و طنز و هنر وجود داشته باشد. بنظر ما باید نفع آزادی بیان و آزادی های سیاسی، ریسک آزادی افترا و توهین را جامعه باید قبول کند. افترا و توهین را میشود به شیوه بحث سیاسی و استدلال و به

رابطه شهروندان به یکدیگر مربوط میشود. یعنی دولت حق ندارد بگوید توهین و افترا به افراد ممنوع است. چون همین میتواند بعنوان یک نوع قید و بند بر آزادی بیان استفاده شود.

خب سوال اینست که اگر چنین قانونی وجود نداشته باشد آیا به معنای آزادی توهین کردن به افراد نیست؟ حقیقت اینست که این یک موضوع بحث در میان مدافعان حقوق انسانی است. قوانینی در کشورهای مختلف در این رابطه وجود دارد که در حوزه قوانین عمومی نیست یعنی به رابطه دولت و مردم مربوط نمیشود. بلکه به رابطه افراد با یکدیگر مربوط میشود. اما تجربه نشان داده است که همین قوانین مربوط به افترا و توهین هم میتواند بدرجه ای برای محدودیت آزادی بیان مورد سوء استفاده قرار گیرد. به همین دلیل اکنون در سطح دنیا شمار زیادی از نهادهای غیر دولتی از جمله عفو بین الملل و خبرنگاران بدون مرز و سازمانهای دیگر علیه این نوع قوانین موضعگیری کرده اند و اعلام کرده اند که افترا و توهین نباید بهیچ وجه جرم انگاری شود. این سازمانها در بیانیه ای چنین گفته اند "بیان نباید جرم انگاری شود مگر اینکه خطر آشکار آسیب جدی را به همراه داشته باشد... از مصادیق آن قوانین منع انتشار اخبار کذب و قوانین شورش است... این قوانین باید لغو شود. قوانین جنایی افترا باید لغو شود. در قوانین مدنی افترا باید این اصول رعایت شوند: نهادهای عمومی (دولتی) نباید قادر به طرح دعوی افترا باشند. حقیقت باید همیشه به عنوان دفاع در دسترس باشد. سیاستمداران و مقامات دولتی باید درجه بیشتری از انتقاد را تحمل کنند."

در هرحال برای توهین و افترا در قوانین کشورها قوانین ویژه ای وجود دارد که به حوزه جرائم مدنی و خصوصی مربوط میشود. به عبارت دیگر یکی به حوزه جرائم عمومی

معنای همه جانبه آن، آزادی تفکر، عقیده، آزادی انتقاد، آزادی طنز، تمسخر، بیان هنری، آزادی داشتن ایدئولوژی و مذهب و بی مذهبی، و کلا آزادی از همه قید و بندها و محدودیتها در زمینه تشکل و تفکر و بیان. انسان با این آزادیها معنی پیدا میکند و بدون این آزادیها نمیتواند بعنوان یک انسان معمول ابراز وجود کند.

ما از آزادی بی قید و شرط سیاسی دفاع میکنیم. از آزادی بی قید و شرط عقیده و تفکر و بیان دفاع میکنیم. این به چه معناست؟

این یعنی اینکه برای آزادی افراد و شهروندان در جامعه هیچ قید و بند و اما و اگر و قید و شرطی توسط حکومت در قوانین نباید گذاشته شود. چونکه این قید و بندها و شرط و شروط قطعاً به ابزار محدود کردن آزادیها و دیکتاتوری تبدیل میشود.

نکته اصلی اینست که همه شهروندان مجازند و حق دارند هرچه میخواهند بگویند، هر تشکلی میخواهند درست کنند، هر عقیده ای میخواهند داشته باشند، و هر کس و هر نهادی را که میخواهند نقد و طنز کنند.

سوالی که مطرح میشود اینست که مثلاً آیا بفرض توهین به افراد در چارچوب آزادی بیان نمیگنجد؟ آیا افترا و اتهام زدن به افراد در چارچوب آزادی بیان نمیگنجد؟ آیا اینها هم باید آزاد باشد؟

این بحث حساس و مهمی است. بحث افترا و توهین گرچه به مساله آزادی بیان بطور کلی مربوط میشود، اما تفاوتهای ظریف و مشخصی دارد و در حوزه دیگری است. وقتی از آزادی بیان در یک جامعه و کشور صحبت میکنیم، اساساً از رابطه شهروندان با حکومت یا دولت سخن میگوییم. یعنی دولت و قوانین نباید با هیچ قید و شرطی آزادی شهروندان را محدود کنند. نباید با پلیس و قانون و زندان مانع آزادی بیان مردم شوند. اما افترا و توهین و امثال اینها به

فکر نمیکنم در دنیا جریان و شخصیت سیاسی ای باشد که ادعای دفاع از آزادی را نداشته باشد. معمولاً جریانات مختلف حتی دولتهای محافظه کار و دیکتاتورها و سرکوبگران ادعای دفاع از آزادی را دارند اما شرط و شروطی برای آن میگذارند: آزادی بشرطی که مخل امنیت کشور نباشد، آزادی بشرطی که به کسی آسیب نرساند، آزادی به شرطی که توهین به مقدسات نباشد، و آزادی بشرطی که با قانون مطابقت داشته باشد، و...

تجربه نشان داده است که همین شرط و شروط موقعی که وارد قانون میشود به ابزارهای سرکوب آزادی تبدیل میشوند. وقتی جریانی را میخواهند سرکوب و محدود کنند هزار بهانه و توجیه پیدا میکنند که فعالیت آن گروه یا آن شخص به دیگران لطمه زده است. هیچ دیکتاتور و حکومتی نمیگوید که ما چون دیکتاتوریم به شما اجازه حرف زدن نمیدهیم یا شما را زندانی میکنیم. بلکه میگویند شما امنیت ملی را جریحه دار کرده اید. مقدسات را تضعیف کرده اید، به حیثیت شخص یا اشخاصی لطمه وارد کرده اید و امثال اینها.

این را هم تاکید کنم که بحث ما اینجا در مورد آزادیهای سیاسی است. نه تمام آزادیها که در جای دیگری باید بحث کنیم مثل آزادی حرکت و مسافرت و نقل مکان، آزادی اجتماعی که اینها هم مهمند و جوانب خاص خود را دارند و یا آزادی اقتصادی که مقوله کاملاً متفاوتی است و ربطی به آزادی مردم ندارد و سیاست مورد علاقه لیبرالها و جریانات مدافع سرمایه داری بازار آزاد است. اینها فعلاً مورد بحث ما نیست.

آزادیهای سیاسی از نظر ما یعنی آزادی تحزب، تشکل، آزادی بیان به



در دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی... از صفحه ۴

اینها بیرون آمده و مردم را به دلیل کمونیست بودن و سوسیالیست بودن و منتقد دولت بودن و یهودی بودن وسیعاً قربانی کرده است. نازیستها و فاشیستها حتی معلولیت جسمی و مغزی را جرم اعلام کرده بودند و دهها هزار معلول جسمی و روانی را وحشیانه به قتل رساندند.

نکته دیگر اینست که نفس توکل کردن به پارلمان و رای معنایش اینست که مردم خود در قدرت نیستند بلکه با رای خود یک اقلیت را به نیابت از خود به قدرت میرسانند.

پیشرفته ترین تجربه ای که برای تصمیم گیری و اختیار داری مردم تا کنون در تاریخ بشر وجود دارد شوراهای اداره شورایی است. مردم به کسی برای تصمیم گیری و حکومت بر خود رای نمیدهند. بلکه خود مستقیماً تصمیم گیرنده اند. اینجا هم رای و اکثریت و اقلیت در حوزه هایی معنی دارد. اما تفاوت اساسی اینست که مردم عضو اتومات شوراهای در شهر و روستا و محل کار و زندگی خود هستند و در سطوح مختلف مستقیماً تصمیم گیرنده اند و میتوانند هر کس را که بعنوان نماینده و مسئول انتخاب کرده اند هر زمان که بخواهند عزل و نصب کنند. وجود اینترنت و مدیای اجتماعی در قرن حاضر سیستم شورایی را بسیار عملی تر و امکان پذیرتر و قابل کنترل تر نموده است. در این رابطه مفصل تر میتوان بحث کرد.

بطور خلاصه یک گام مهم در تحقق آزادیهای اجتماعی تبدیل آزادی بی قید و شرط سیاسی به قانون سراسری جامعه است. و در عین حال اهرمهای موثری را باید برای تضمین عملی شدن این آزادیها و ممانعت از خودکامگی و دیکتاتوری ایجاد کرد.*

نکات دیگر

نکات دیگری هم در رابطه با آزادی بیان و عقیده مهم و مطرح است. مثلاً امکانات و ابزارهای ابراز نظر و بیان

شیوه های اجتماعی خنثی کرد. نه با دادگاه و زندان و قانون.

اهرم تضمین کننده آزادی

اما یک نکته مهم دیگر در این رابطه مساله تضمین عملی شدن این آزادیهاست. فقط کافی نیست که قوانین از آزادی بیان دفاع کنند. بلکه باید ابزارها و اهرمهای آزادی بیان تعریف شده باشد و شکل بگیرد. وقتی که یک فرد یا الیت و یا یک اقلیت بر جامعه حاکم میشود و هیچ ابزار و اهرمی برای کنترل آن وجود ندارد، اینها قوانین را هم به سادگی زیر پا میگذارند و بی تاثیر میکنند. این نکته بسیار مهمی است.

سوال اینست که چگونه میشود تضمین کرد که قوانین آزادی بیان به طور کامل رعایت شوند؟ جواب اینست که تضمین اجرایی شدن آزادی اجتماعی اساساً خود مردمند. عبارت دیگر دولت و حکومت نباید در دست یک اقلیت یا یک فرد باشد. برای آزاد زندگی کردن باید قدرت را از دست افراد و شخصیتها و اقلیتها رها کرد. در دموکراسی های موجود در غرب که خود محصول انقلابات دموکراتیک مردمی هستند، ابزاری که برای تصمیم گیری مردم تعریف شده صندوق رای است. مردم رای میدهند که چه کسی رئیس جمهوری و وکیل و نماینده مجلس و قاضی و قانونگذار و غیره باشد. صندوق رای ابزار بسیار مهمی برای دخالت مردم است. اما باید بدانیم که مطلقاً کافی نیست. دموکراسی های پارلمانی و رای و انتخابات در مقایسه با استبدادهای خودکامه ای مثل نظامهای پادشاهی و اسلامی در کشورهای مثل ایران و عربستان و غیره، یک پیشرفت مهم تاریخی است اما تضمین کننده آزادی بیان و عقیده و تشکل برای شهروندان نیست. در کشورهای مختلف بارها در تاریخ شاهد این بوده ایم که از پارلمانتاریسم و صندوق رای، دیکتاتوری و فاشیسم و نازیسم و امثال

اکثریت مردم در محرومیت زندگی کنند، اما آزادی بیان و آزادی سیاسی بطور واقعی و همه جانبه عملی شود. ما در عین حال که از آزادی بیان و آزادیهای سیاسی بطور در خود و مستقل دفاع میکنیم و برای آن مبارزه میکنیم، این را هم تاکید داریم که برابری اجتماعی و طبقاتی یک رکن مهم آزادیهای سیاسی است.

بنابراین در بحث آزادیهای سیاسی چند جنبه را باید مورد توجه جدی قرار داد. یکی اینکه نباید هیچ قید و شرط و اما و آگری را برای آزادیهای سیاسی قبول کرد. این بسیار مهم و حیاتی است. دوم باید اهرمها و ابزارهای عملی کردن آزادی بیان را مورد توجه قرار دهیم. حضور فعال مردم در صحنه سیاسی جامعه یک شرط مهم آزادیهای سیاسی است که از نظر ما در سیستم شورایی میتواند عملی شود. و سوم اینکه باید بدانیم که آزادیهای سیاسی بدون آزادی از فقر و محرومیت بطور واقعی امکان پذیر نیست. آزادی بی قید و شرط با ابزار دخالتگری و تصمیم گیری مستقیم مردم از طریق سیستم شورایی و در یک جامعه آزاد و برابر. اینها پایه های اصلی بحث آزادی بیان است. و بعلاوه اینهم باید روشن باشد که آزادی بیان شرط وجود یک جامعه آزاد و مرفه است. یعنی بدون آزادی بیان رفاه و برابری در جامعه عملاً امکان تحقق نخواهد داشت. و بدون رفاه عمومی و برابری اجتماعی، آزادی بیان به یک پوسته توخالی و بی اثر تبدیل خواهد شد. اینها روی هم تاثیر مستقیم و متقابل دارند.

بفرض مردمی که فقیر و محروم هستند حتی اگر حق آزادی بیان را داشته باشند، امکان استفاده از آزادی بیان را ندارند. امکان مطالعه، تفکر، شناخت حقوق خود، و دفاع از حقوق خودشان را ندارند. امکان ابراز نظر خودشان به شیوه های مختلف از جمله استفاده از هنر و ادبیات و نوشتن و ابزارهای مختلف سیاسی و تکنیکی را نخواهند داشت. بنابراین آزادی عقیده و آزادیهای سیاسی بدون کنار زدن شکافهای طبقاتی عملاً محدود و بدرجه ای غیرممکن میشود. ...در جوامع سرمایه داری غربی آزادی بیان رسماً و از نظر حقوقی وجود دارد. اما بسیاری از مردم امکان استفاده از آنرا ندارند. عده ای که پول و امکانات عظیمی در اختیار دارند با استفاده از این ثروتها امکانات تبلیغی عظیمی در اختیار دارند و مدام مردم را مغزشویی میکنند تلویزیونها و رسانه ها و تبلیغات را در دست خودشان دارند و فضای جامعه را بفرع خود و به زیان محرومان تغییر میدهند. آزادی بیان نهایتاً برای زندگی آزاد و امن و مرفه معنی دارد. اگر شما امکانات استفاده از آزادیها را نداشته باشید همین آزادیهای سیاسی را علیه شما کسانی مورد استفاده قرار میدهند. این هم نکته بسیار مهم و حیاتی ای در بحث آزادیهای سیاسی است.

عبارت دیگر آزادیهای سیاسی به مساله برابری اجتماعی و رفاه همه مردم و ریشه کن کردن محرومیتهای اجتماعی و شکاف طبقاتی گره خورده است. نمیشود برابری طبقاتی و اجتماعی در جامعه وجود نداشته باشد،



آغاز سال جدید با طنین مرگ بر دیکتاتور بر فضای شهرها

نوروزتان پیروز

شب گذشته در آستانه تحویل سال ۱۴۰۲ در محلات مختلف تهران از جمله در تهرانسر، زیبا شهر، اکباتان و در شهرهای بسیاری از جمله شهرهای کرج، مشهد، سقز، اشنویه، سنندج، بوکان، پیرانشهر، روستای چورونده، دهگلان، ارومیه، مهاباد، ایذه، رضوانشهر، شیراز، سردشت، و رشت شعاردهی علیه حکومت از منازل بسیار گسترده بود. طنین شعارها نوید بخش سالی است که انقلاب و سرنگونی محتمل حکومت منفور و درمانده اسلامی را رقم خواهد شد. سال ۱۴۰۲ با طنین رسای مرگ بر دیکتاتور بر فراز خیابانهای سراسر ایران آغاز شد. در بسیاری از این شهرها جمعیت بسیاری از مردم به خیابان آمدند و با برافروختن آتش و رقص و شادی و با سر دادن شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "امسال سال خونه سید علی سرنگونه"، "مرگ بر جمهوری اعدامی"، "زن، زندگی، آزادی" تداوم انقلاب را

فریاد زدند و عزم جزم خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کردند. در مناطقی از جمله در مهاباد مردم با نیروهای سرکوب درگیر شدند. در شهرهایی این جمع شدن ها بر مزار عزیزان جانباخته انقلاب صورت گرفت. قبرستان آچی در سقز محل خاکسپاری مهسا امینی نماد انقلاب زن، زندگی، آزادی با فریاد مهسا مهسا و ژن ژبان آزادی به التهاب در آمده بود. در بوکان نیز مادران دادخواه جانباختگان اعتراضات اخیر با در دست داشتن تصاویر فرزندانشان بر سر مزار این عزیزان حاضر شدند

در بسیاری از شهرها مردم با پهن کرده سفره هفت سین با نشانهای انقلاب، یاد و نام جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی داشتند و یا با گذاشتن گل بر مزار جانباختگان انقلاب به استقبال سال تازه رفتند. همچنین در یلوفر حامدی و الهه محمدی پشت

دیوارهای زندان قرچک و در نزدیک ترین فاصله با عزیزانشان بودند و بدینگونه همبستگی خود را با دستگیرشدگان انقلاب اعلام داشتند.

فیلمهای بسیاری از رساتر شدن شعار مرگ بر خامنه ای در لحظه سال تحویل و نیز همزمان با سخنرانی خامنه ای در شهرهای مختلف از جمله از کرج و از مشهد منتشر شده است. امروز یکم فروردین ماه نیز برپایی جشن نوروز در شهرهایی چون ارومیه و ماکو برقرار بود و همچون شبهای دیگر در بسیاری از محلات تهران از جمله در شهرک باقری، اکباتان، فرمانیه، دهکده المپیک، تهران غرب، گیشا،

تهرانسر، تهرانپارس و در شهرهای دیگر همچون کرج، مشهد، شیراز، شعارهای ضد حکومتی سر داده شد.

گوهر عشقی مادر زنده یاد ستار بهشتی که بدست جانیمان جمهوری اسلامی به قتل رسید، نیز با انتشار تصویری از خود در کنار مزار پسرش در حالی که تصویری از سیدمحمد حسینی را در دست داشت، در توییتی سال نو را تبریک گفت و نوشت: "بهار طبیعت و نوروز باستانی، بر شما خجسته باد".

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ فروردین ۱۴۰۲، ۲۱ مارس ۲۰۲۳

تظاهرات بزرگ مردم زاهدان در اولین جمعه سال، فراخوان کارگران نیشکر هفت تپه به تجمع علیه مصوبه

شورایعالی کار و تجمع بازنشستگان در شوش

امروز سه شنبه چهارم فروردین ۱۴۰۲ در اولین جمعه سال جدید و در تداوم انقلاب، جمعیت زیادی از مردم در شهر زاهدان به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در این تظاهرات بنهایی با نوشته های "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، "سلطنت، ولایت، صد سال جنایت"، توجه ها را جلب میکرد. در این حرکت اعتراضی بزرگ مردم شعار میدادند: "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت"، "این آخرین پیامه هدف کل نظامه"، "مرگ بر بسیجی"، "مرگ بر سپاهی"، "مرگ بر خامنه ای"، "خامنه ای حیا کن، مملکتو رها کن"، "توب، تانک، فشفشه، آخوند باید گم

بشه"، و "مرگ بر دیکتاتور".

در این تظاهرات مردم همچنین با شعار "استاندار داعشی نمیخوایم، نمیخوایم" اعتراض خود را به انتصاب استاندار جدید سپاهی در این شهر اعلام داشتند. زاهدان یکی از کانونهای داغ انقلاب علیه جمهوری اسلامی است. از مبارزات مردم این شهر باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد. در این روز نیروهای سرکوب به مردم تظاهرات حمله کرده و مردم با شعار بیشرف، بیشرف به راهپیمایی خود ادامه داده و با آنها درگیر میشدند.

طبق خبر ها کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به مصوبه مزدی شورایعالی کار برای روز پنجم فروردین فراخوان به تجمع اعتراضی داده اند. قرار

است کارگران با تجمع در شرکت به سمت فرمانداری حرکت کنند و در مقابل فرمانداری شوش تجمع و اعتراض خود را بیان کنند. همزمان با آنها کارگران بازنشسته تامین اجتماعی شوش نیز در مقابل فرمانداری اعلام تجمع کرده اند. از این حرکت اعتراضی باید وسیعا حمایت کرد. این تجمعات میتواند الگویی برای کارگران در تمام شهرها در اعتراض به تصمیم جنایتکارانه شورای عالی کار مبنی بر تصویب حداقل مزد ۵ میلیون و سیصد و هفت هزار تومانی و تعرضی دیگر به معیشت کارگران و کل جامعه باشد.

گفتنی است که بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش در روز گذشته دوم فروردین ماه نیز برای پیگیری

خواستههایشان در مقابل تامین اجتماعی تجمع کردند و در شهر راهپیمایی کردند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای سطح سبد معیشتی بیست سی میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها از جمله خواستههای اعلام شده بازنشستگان تامین اجتماعی است. این بازنشستگان برای شنبه پنجم فروردین نیز مقابل فرمانداری تجمع خواهند داشت.

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ فروردین ۱۴۰۲، ۲۴ مارس ۲۰۲۳

کاظم نیکخواه

سرداران سپاه: در آستانه فروپاشی هستیم

میکنیم.

این گزارش چهل و چهار صفحه است و همه آنها اعترافات بسیار مهم و جالبی است. میتوانید از سایت‌های حزب متن کامل آنرا دریافت کنید. اینجا گوشه کوچکی از این اعترافات را مرور و طرح میکنیم:

ریزش گسترده نیروها

یک بخش مهم نشست فرماندهان ارشد حکومتی با خامنه‌ای، بحث بر سر ریزش شدید نیروهای نظامی حکومت است. یکی از سران سپاه میگوید نیروهای وفادار به حکومت بین ۱۲ تا ۶۸ درصد ریزش داده اند و نیروی کافی برای پوشش مناطق را ندارند. غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا از ختنی شدن طرح حمله توپخانه‌ای توسط افرادی از توپخانه سپاه به چند نقطه حساس حکومت در تهران از جمله به بیت‌خامنه‌ای خبر میدهد و با وحشت میگوید خوشبختانه ختنی کردیم اما نمیدانیم بعد چه میشود. فرمانده سپاه قدس اعتراف میکند که نیروهای سپاه قدس به اسرائیل اطلاعات می‌فروشنند و به همین دلیل اسرائیل از نقشه‌های ما از قبل خبر دارد و مدام ضربه می‌خوریم. از استعفا و کنار کشیدن هزاران نفر از نیروها سخن می‌گویند

فحش دادن به خامنه‌ای

محمود محمدی شاهرودی، مسئول سازمان بسیج طلاب و روحانیون می‌گوید حتی در میان طلاب مخالف با احکام قوه قضائیه علیه معرضین و "اعتشاشگران" گسترده است و حتی با اهانت به مراجع و شخص رهبری به این احکام پاسخ میدهند. و بعد می‌گوید "این خطر است. خطر رد شدن از نظام و رهبری و مراجع میتواند کلیت نظام را با مشکل مواجه کند." او اضافه میکند چندی پیش با وجودی که دو محافظ داشته و در درون خود رو سوار بوده عمده اش را از سرش برداشته

سند مهمی که از نشست مقامات بالای نظامی و سیاسی حکومت با علی خامنه‌ای توسط ایران وایر این روزها منتشر شده وضعیت بشدت وخیم و بحرانی ویر از تنش و فرسوده نیروهای حکومت را از درون بازتاب میدهد. سران ارشد سپاه و بالاترین مقامات نظامی و سیاسی حکومت با خامنه‌ای جلسه گذاشته اند تا به او هشدار دهند که پایه‌های حکومت شدیداً به لرزه در آمده و بنا به تشخیص آنها امکان فروپاشی کاملاً وجود دارد. این اسناد مربوط به چند ماه قبل و اوج خیزشها و انقلاب است. اما در عین حال اوج انزوا و ضعفهای اساسی حکومت را بازتاب میدهد و در همانجا گفته میشود که رده‌های پایین و معمولی نیروهای نظامی حاضر به شلیک به مردم نیستند و هشدار میدهند که حتی اگر این اعتراضات را هم رد کنیم دور بعدی در ابعاد خطرناکتری سربلند خواهند کرد.

اعترافات سران سپاه و نمایندگان خامنه‌ای در سپاه و نیروهای انتظامی حکومت، تأکیدی بر این حکم است که انقلاب زن زندگی آزادی، ضربات کاری و مهلکی به ستون حکومت در مانده و فاسد وارد کرده و ستون‌های آنرا بطور جدی به لرزه در آورده است. مطلقاً بعید نیست که نیروهای نظامی حکومت در آینده‌ای نه چندان دور، در برابر یکدیگر سنگربندی کنند و به یکدیگر شلیک کنند. در همین جلسه گفته میشود که در سه مورد توپخانه به سمت نقاط حساسی در تهران و یک مورد به سوی "بیت رهبری" نشانه رفته بوده است. که کشف شده است. عبدالله حاجی صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه می‌گوید "در واحدهای مختلف در لشکرها اطلاعات و آمار داریم که درگیریهایی بوده است. باید مدیریت شود. در اینجا ما از یک یا دو نفر صحبت نمی‌کنیم. از یک مجموعه نیروی مسلح با بیش از ششصد هزار نیروی متفاوت صحبت



اند و توی جوی آب انداخته اند. و بعد می‌گوید "حال تصور کنید که آن روحانیونی که محافظ ندارند چه وضعیتی دارند."

عبدالله حاجی صادقی، نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران، در این جلسه اذعان کرده که پیش از جلسه با اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات، گفت‌وگو کرده و او گفته که برخی از مراجع تقلید به رهبر جمهوری اسلامی «جسارت» می‌کنند.

نگاه سربازان و رده‌های پایین به خیابان

گفته میشود که سربازان و جوانانی که در نیروهای حکومتی هستند نگاهشان به جامعه است و از خیابان مستقیماً تأثیر می‌گیرند. آنها حاضر نیستند به مردم در اعتراضات شلیک کنند. حاج صادقی نماینده خامنه‌ای در سپاه می‌گوید "نگاه این جوانان (سربازان و افراد جزء سپاه) که در یگانهای مختلف حضور دارند به همسرها و خانواده‌های خود در خیابان است"

سرتیپ قدرت الله کریمیان جانشین فرمانده کل قوا در ایلام می‌گوید "چگونه میشود با یک اسلحه در حمایت از خاک اشرار را سرکوب کرد و با همان اسلحه دختران را کف خیابان به گلوله بست؟ اینها باهم مغایرت دارد."

او ادامه میدهد "هر روز ما نامه از آقای برادر شمخانی و همکارانشان که در سایه امن در دفترشان زیر تهویه مطبوع نشست‌ها دریافت میکنیم که شهر را آرام کنید، بزنید و آرام کنید. بزنیم؟ چگونه بزنیم؟ مردم را نمیشود زد. من حاضرم همین الان سردوشیهایی که با دست مبارک حضرت آقا دریافت کرده‌ام تقدیم ایشان کنم و بروم در خانه آبرویم جلوی خانواده‌ها حفظ شود."

از هزاران استعفا و کنار کشیدن از نیروها نیز بحث میشود. سرهنگ عباس بنائی خیرآبادی می‌گوید "عده‌های از نیروهای من هم در اعتراضات و صحبت‌های صنفی آمادگی برای اقدام، تجهیزات خود را زمین گذاشته و اعلام

کردند اینها خانواده ما هستند و اعتراضاتشان بر حق است. در این میان افرادی که نیروهای بیسیم ما هستند که در مواقع درگیریها و جلوگیری از اغتشاشات مسیره‌های غیر واقعی برای نیروهای کف صحنه مفرستند و وقتی علت را بعدها دنبال کردیم گفتند که ما با مردم درگیری نداریم و حتی در مقابل بازداشت و توبیخ هم با لبخند و راضی از خود وارد بازداشت شده‌اند."

سرتیپ حسین حکمتیان فرمانده نیروهای حکومت در کهگیلویه و بویر احمد می‌گوید "مشکلات و مساله تیبها و یگانها و لشکرهای رزمی عدم توانایی تامین نیرو برای اغتشاشات خیابانی است. نیروهای تیب چهل و هشت حاضر به حضور در خیابان و سرکوب مردم نیستند. مقابله با اغتشاشات را جایی که میتوانند عهده نمی‌گیرند و در مقابله با مردم عقب می‌ایستند. در مواردی گزارشهایی در درز اطلاعات حرکتی به سمت شهرهای مورد اعزاز از طرف این نیروها به نیروهای مردمی دیده شده است که در چند مورد کاروان در حرکت این نیروها با مشکلات جاده‌های مواجه شده است."

رانت خواری و پارتی بازی

سرتیپ علیرضا صدرنیا می‌گوید "در دولت جدید که بیسواد مدبران در اوج خودش است. مدیرهایی من در استان البرز میشناسم که حتی نمیدانند حوزه مدیریتشان چه کاری انجام میدهد، هنوز بر صندلی مدیریت تکیه زده است که نصف فامیل خود را به محدوده مدیریتی خود فراخوانده و مشغول به کار میکند... مشکلات کشور را حضرت‌آقا بیسوادی بعضی از مدیران رده‌های ارشد و میانی کشور به وجود آورده‌اند.



سرداران سپاه: در آستانه ...

مدیر منطقی برق استان البرز هنوز تفاوت مگاوات و کیلو وات را نمیداند... خبر دارم رئیس کمیته امداد شهر کرج بیش از صد و پنجاه نفر از فامیلهای خود را مددجوی ناتوان معرفی کرده است بدون آنکه تحقیقی شود که داراییهای آنها سربه فلک میکشد. گاهی از آدرسهای دیگر استفاده کردهاند.

رشوه خواری و فروش اطلاعات

یک جنبه دیگر از وضعیت درونی حکومت که در این سخنان به آن اعتراف میشود جریان وسیع رشوه خواری و فساد و فروش اطلاعات در میان سران و افراد بالای سپاه است. - دریادار علی رضا تنگسیری میگوید " ما در نیروی دریایی بارها ماموران ارشدی را که با قاچاقچیان کالا و حتی مواد مخدر و اسلحه تباری کرده بودند در ساعات مختلف شبانه روز مسیرهای دریایی و رودخانههای را باز گذاشته بودند برخورد کردیم، در این برخوردها تعدیل بوده، خلع درجه بوده و اخراج و دادگاه نظامی هم بوده است."

سرتیپ رحیم نوعی اقدم میگوید "پیش دستی نیروهای اسرائیلی در پنج عملیات به ما نشان داده است که مساله نفوذ یا عدم همدلی و عدم تمایل نیروها به باقی ماندن در مرزهای اسرائیل، آنها را به راههای غیر قابل تصویری وارد کرده است. فروش اطلاعات برای کاستن فشار زندگی در شکل اول و در شکل دوم عدم تمایل به جنگهای روزانه و هفتگی و خستگی نیروها و عدم درک صحیح از موقعیت کنونی کشور و مساله اغتشاشات در کشور نیروها را با تضاد مواجه کرده است.

سرتیپ دوم علی جمعه ملک شاه کوهی میگوید "درز و نشر اطلاعات اصلیتین مشکل در دستگاههای امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی و فرهنگی کشور است. در همین مدت (انقلاب) بیش از چندین هزار نفر سرپیچی و تمرد و دستگیری داشتهاند، آن هم در مسالهای که پیشآمده به بهانه کشته

از صفحه ۷

میشود، دادگاهی میشود، اما خم به ابرو نمیآورد. این تضاد نیست؟ تضاد اعتقادی مساله دار شدن است"

سرتیپ محسن کریمی از عبور رده های پایین سپاه از جمهوری اسلامی سخن میگوید "به جرات میتوانم عنوان کنم بسیاری از نیروهای ما از نظام حتی عبور کردهاند. شاید آقایان نخواهند و نتوانند بیان کنند که در واحدهای آنها چه خیرهایی است، اما من مستقیماً خدمت رهبری عرض میکنم که بسیاری از نیروهای نظامی از نظام عبور کردهاند و خود را برای سیستم جایگزین آماده میکنند"

او در ادامه تأکید میکند "مشکل کشور، مردم آگاه شدها اسرار و مگوهای نظامی هستند. دولت هر دولتی باشد نظام هر نوع نظامی باشد، در این شرایط سقوط میکند."

-سرتیپ هدایتالله امیری میگوید "من توضیح بدهم که همین مردم را ما اسلحه دادیم، آموزش دادیم و لباس فرم دادیم و شده است نظامی و یادمان باشد که این نظامی شب در خانهاش لباسش را در میآورد و میشود مردم و همین آدم سفرهاش در خانه برکتی ندارد و نانی در سفره ندارد و مشکلات منزل و خانواده و مشکلات اعصاب و روان او در خیابان به خانه منتقل شده و کانون خانواده او تحتتأثیر قرار میگیرد. ما با یک جامعه تنیده شده در هم روبرو هستیم."

اعتراف به هوشیاری و آگاهی مردم
سرلشگر غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا به هوشیاری و آگاهی مردم اعتراف میکند و میگوید "امروز ما با مردم هوشمندی سر و کار داریم که این مردم بر پایه شبکههای اجتماعی اطلاعات و اخبار راست و دروغ را در اختیار دارند ما حتی در دور آنها بگیریم. خدا لعنت کند آل سعود و پیشرفت تکنولوژی در جهان را که توانست مساله قطع اینترنت را نا کارآمد کند و از طرف دیگر باید بدانیم حربهای امنیتی دیگر کارساز نخواهد

بود و اگر این اعتراضات خاموش شود و سال دیگر باز اتفاق جدیدی شود مقابله با آن سختتر است. از طرف دیگر باید بدانیم حربهای امنیتی دیگر کارساز نخواهد بود و اگر این اعتراضات خاموش شود و سال دیگر باز اتفاق جدیدی شود مقابله با آن سختتر است."

ناتوان در برابر "خروش مردم"

قآنی در این نشست روشن است که بشدت از برخورد فرماندهان سپاه عصبانی است اما حرفی برای گفتن ندارد. او اعتراف جالبی میکند. میگوید "صحبتهای آقایان را که من شنیدم احساس کردم که به واقع علی تنهاست". منظورش سیدعلی مانده است و حوضش! و بعد ادامه میدهد "از نظر نیروی قدس هر کسی با هر تفکری میتواند در چارچوب امنیت سرزمینی ما زندگی کند و اعتراض خط قرمز است و توهین به رهبری نظام غیرقابل بخشش."

سرتیپ دوم محمد عبدالله پور میگوید "در روزهای اخیر شهرستانهای استان گیلان درگیر مسائل و مشکلات مختلفی از طرف مردم، شبلات و کارگران بوده است. در این میان نیروهای امنیتی و انتظامی در این استان در مقابل خروش مردم توان ایستادگی نداشتند. اینکه میگویم "خروش مردم" میخواهم تفاوت را با اغتشاشات قبل تصویر بکشم. در اغتشاشات قبل حرکتها و نتیجهها مشخص بود، یعنی اگر کسی در خیابان وارد میشد از زمان ورودش تا زمان ارشاد و بازگشت به خانه یا زندان برنامه ریزی شده بود. این



تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش و اهواز و کارگران نیشکر هفت تپه علیه مصوبه شورایی عالی کار و برای پیگیری مطالباتشان در کارخانه

خواستهای کل جامعه است. امروز پنجم فروردین ماه شماری از کارگران نیشکر هفت تپه نیز در اعتراض به مصوبه شورایی عالی کار مبنی تعیین حداقل دستمزد پنج میلیون و سیصد و هفت هزار تومان و برای پیگیری دیگر خواستهایشان در محوطه شرکت در محل "سنگر" تجمع کردند. در این تجمع یوسف بهمنی در مورد موضوع اعتراض کارگران و دیگر مطالباتشان از جمله در مورد مطالبه همسان سازی حقوقها با دیگر شرکت های زیر مجموعه هفت طرح، مشکل منازل سازمانی و فشار مدیریت برای گرفتن این منازل از کارگران، دائمی شدن قرارداد کارگران فصلی، مشکلات کارگران در بخش ام دی اف و بازگشت به کار اسماعیل بخشی، صحبت کرد. در اطلاعیه این تجمع کارگران نیشکر هفت تپه مینویسند:

"کارگران، هم طبقه ای ها در سراسر کشور! ما امروز پنجم فروردین تجمع

امروز ۶ فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی شوش و اهواز همچون یکشنبه های گذشته در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل تامین اجتماعی تجمع کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "بخچال بازنشسته خالی تر از گذشته"، "گروانی، تورم، بلای جان مردم"، "تا حقمون نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "نگ ما، ننگ ما، مخبر الدنگ ما"

بازنشستگان مدتهاست که برای خواستهای خود نظیر اجرای کامل همسان سازی و افزایش حقوقها بالای خط فقر ۳۰ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن. پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی و پایان دادن به اختلاسها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، اعتراض و مبارزه میکنند. این خواستها در واقع بخشی از

جنبش گسترده دفاع از زندگی را به جریان انداخت و حکومت منفور اسلامی را زیر فشار همه جانبه قرار داد. اعتراضات علیه دستمزدهای ناچیز، بی تامین از پایه ای ترین بیمه های اجتماعی همچون درمان و تحصیل رایگان و افزایش نجومی قیمت اجناس و مایحتاج اولیه زندگی موضوع اعتراض همه مردم است. اعتصابات سراسری میتواند قدرت بخش اعتراضات مردمی در کف خیابان باشد.

اعتراضی در هفت تپه برگزار کردیم که به عنوان بخش کوچکی از خانواده بزرگ طبقه کارگر در ایران اعلام کنیم نه تنها به صورت بیانیه و نوشته و اطلاعیه با دستمزد خط مرگ مخالفیم بلکه عملا و به نیروی متحدانه کارگری علیه آن مبارزه خواهیم کرد. لذا بدینوسیله از همه کارگران و زحمتکشان در سراسر کشور دعوت میکنیم که به کارزار عملی مقابله با این دستمزد و وضعیت فلاکت باری که برای ما ایجاد کرده اند بپیوندند. زنده باد اتحاد و مبارزه."

علیه دستمزدهای نازل که کارگران را به زندگی مشقت بار و چندین بار زیر خط فقر محکوم میکند باید متحد و سراسری اعتراض کرد. با تجمعات، اعتصابات، و اعتراضات و بیانیه ها باید

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ فروردین ۱۴۰۲، ۲۶ مارس ۲۰۲۳

از صفحه ۸

سرداران سپاه: در آستانه ...

اسلامی را میتوانیم در آینده نزدیکی با ادامه انقلابمان بطور قطع به زیر بکشیم. فرماندهان حکومتی در برابر خامنه ای طبعاً با درجه زیادی از سانسور و ملاحظه کاری حرف خود را میزدند اما در همان جلسه علیه یکدیگر و علیه مجتبی خامنه ای و علیه بالاترین فرماندهان و وزرا و دولت رئیسی موضعگیری میکنند. خامنه ای و قاتنی و شمخانی در جواب این فرماندهان ناراضی حرفی برای گفتن نداشتند و تنها به موعظه های توخالی بسنده کردند. اعتراف بالاترین فرماندهان این حکومت به اینکه حکومتشان در آستانه فروپاشی است و اینکه "هر حکومتی باشد در این شرایط سقوط میکند" به خودی خود کاملاً گویاست و باید کاری کرد که این

دفعه توان مقابله با دستهای مختلف مردم یا همان تعبیر خروش مردم که آوردن نشان میدهد ما هیچ برنامه‌ای برای سرکوب یا عقب راندن این افراد که به واقع مردم هستند، نداشته و نداریم و در آینده هم نخواهیم داشت. جز یک معجزه که بتواند توان و قدرت مردم را کمتر کند."

اعترافات فرماندهان نظامی حکومت اسلامی پرده از واقعیاتی مهم بر میدارد که ما تحلیلاً بخش اعظم آنها را میدانستیم اما اعتراف کارکنان و دلسوزترین و جنایتکارترین مهره های حکومت، تاییدی است بر حقانیت کامل این تحلیلها و باید به هرکسی این انرژی و امید را بدهد که جمهوری

حکومت هرچه زودتر سقوط کند. نباید به آنها فرصت داد که خود را بازسازی کنند. هر اعتراض و تجمع و اعتصابی در این شرایط ضربه ای به روحیه اینهاست. تلاشها و تفرقه‌هایی که برای حفظ سپاه و ارتش و نیروهای نظامی این حکومت توسط جریان‌هاست راست میشود، تنها میتواند به این روند سرنگونی و سقوط حکومت لطمه بزند. انقلاب زن زندگی آزادی، ادامه دارد و با صلابت تمام به کل سیستم حاکم پایان خواهد داد. افراد و اعضای نیروهای سرکوب حکومت اگر یک ذره آینده نگری و عقل داشته باشند باید هرچه سریعتر از این کشتی در حال غرق شدن و این دستگاه کثیف و نهادهای نظامی و غیرنظامی فاصله بگیرند و به هر شکل ممکن در کنار مردم قرار گیرند. این هم نفع مردم و هم به نفع زندگی خود آنهاست. (برگرفته از انترناسیونال ۱۰۱۷)

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!



به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

tamas.wpi@gmail.com



حمله به معیشت کارگران؛ در ادامه حمله به هر صدای آزادی خواهی و برابری طلبی در جامعه!

از ماه ها قبل از تعیین حداقل دستمزد کارگران مشخص بود که نمایندگان دولت و کارفرمایان تصمیم خود را گرفته و خود را برای حمله هرچه بیشتری بر علیه زندگی و معیشت کارگران آماده میکنند و بیش از سالهای گذشته اعتنایی هرچند ظاهری به سیرک "چانه زنی" در شورای عالی کار نخواهند کرد. یک روز قبل از اولین نشست شورای عالی کار وزیر کار با وقاحت تمام اعلام کرده بود که "اگر اجماع مقدور و میسر نشد، با اکثریت آرا مزد را تصویب می‌کنیم".

علی صالح‌آبادی، رئیس بانک مرکزی در آذرماه با "عجیب و غریب" نامیدن "افزایش ۵۷ درصدی" دستمزد کارگران، این موضوع را یکی از دلایل تورم سال جاری دانسته و اعلام کرده بود که در سال آینده چنین افزایشی وجود نخواهد داشت. آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار، گفته بود که بجای افزایش دستمزد کارگران که باعث تورم بیشتر میشود دولت باید از طرق دیگر از کارگران حمایت کند.

با این مقدمه چینی‌ها بود که بالاخره شورای عالی کار با اعلام "افزایش" ۲۷ درصدی حداقل مزد ماهانه سال ۱۴۰۲ به مبلغ پنج میلیون و ۳۰۷ هزار تومان را تعیین نمود. این تصمیم جنایتکارانه در حالی گرفته شد که یکی از روزنامه‌های حکومتی خط فقر را سی میلیون تومان اعلام نموده و خبرها حاکی از افزایش قیمت دلار به بالای شصت هزار تومان بود. در حالیکه نمایندگان دولت سعی کردند که رقم مربوط به سبد حداقل معیشت کارگران را دست کاری کرده تا رقم پایبندی را منبأ قرار دهند.

یک گزارش ساده نشان میدهد که حقوق دریافتی یک کارگر با دو فرزند در ابتدای سال ۱۴۰۱ معادل ۲۵۶ دلار بود اما در ابتدای سال ۱۴۰۲ به ۱۸۲ دلار کاهش یافته است. این یک محاسبه ساده خود سند محکمی است بر علیه

بیانیه: در برابر چنین وقاحت مزدی، باید بساط شان را جارو کنیم!

بگیران این طبقه بزرگ اجتماعی دیگر حداقل بگیر هم نیستند بلکه به ورطه خردکننده فقر مطلق سقوط کرده اند. کارگران شاغل و بازنشسته ای که نه نقشی در تورم و بحران اقتصادی داشته و نه نقش و اراده ای در تعیین دستمزد خود دارند، این دستورات حکومتی برای تحمیل فقر بیشتر بر زندگی خود را تحمل نخواهند کرد.

تداوم مقاومت ها و اعتراضات سنگین اجتماعی و فروکش نکرده ی «زن، زندگی، آزادی» (در روزها و ماه‌های آینده پاسخی غیرقابل اجتناب علیه وضعیت موجود که در آن، سهم مردم تنها فقر، ستم و سرکوب ست، خواهد بود!!!

#تعیین_مزد_طبق_سبدمعیشت

#افزایش_مزد_طبق_تورم

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

"دستمزد مصوب ۱۴۰۲، فرمان کشتار جمعی برای غارت بیشتر است" حکومت، به کمک شورای عالی کار این نهاد سرکوب مزد، در اقدامی سیاسی/اقتصادی و از پیش تصمیم گرفته شده، برای حفظ و بقا کلیت شان در خلاصی از ضربات زیر و رو کننده انقلابی که تمامیت وضعیت موجود را نشانه رفته، در فرمانی حکومتی و با زیرپا گذاشتن قوانین خودساخته شان در ساعات پایانی سال، به معیشت و زندگی کارگران و مزدبگیران یورش آوردند و بنام افزایش حقوق اما در حقیقت با ارزان کردن بیشتر نیروی کار، کل سطح زندگی از جمله سلامت، رفاه، حق حیات، و شادی و امید را کاهش دادند تا قتل و کشتارهایشان را با قوانین گرسنگی تکمیل کرده باشند.

با این سرکوب مزدی، حداقل

شعارهایی نظیر فقط کف خیابون بدست میاد حقمون! نه مجلس نه دولت نیستند بفکر ملت!

در پایان، ذکر این مسئله بسیار حائز اهمیت است که از شهریور سال ۱۴۰۱ فصل جدیدی در مبارزات مردم علیه حاکمان شروع شده است. دیگر باید بر همگان روشن شده باشد که هرگونه مطالبه گری و خواست بهبود اوضاع توسط حکومت به بن بست رسیده و تنها راه رهایی از این وضعیت فلاکت بار اقتصادی-سیاسی و اجتماعی واژگون کردن این سیستم تبعیض آمیز و استثمارگر است. باید به استقبال این

اجرائی ایجاد شود که اگر تورم از حدی افزایش یافت، با "یک فرمول مشخص" دولت موظف به ترمیم و اصلاح مصوبه مزدی شورای عالی کار شود. واقعا شرمتان باد که هنوز بفکر سر دواندن کارگران هستید! اما کارگران خیلی خوب میدانند که حاکمان چه در مجلس و چه در دولت با قلدرمنشی تمام و هر موقع که صلاح بدانند قوانین مصوبه خود را کنار میگذارند و به هیچ ارگانی نیز جوابگو نیستند. به همین خاطر است که کارگران دیگر فریب دغل کاری های نمایندگان نهادهای دست ساز حکومتی نظیر شوراهای اسلامی کار را نمیخورند. آنها مدت‌هاست که راه خود را پیدا کرده اند؛ راه مبارزه در خیابان و با



معلمان زندانی باید فوراً آزاد شوند

روز ۲۸ اسفند سلیمان عبدی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان شاخه سقز و زیویه با هجوم نیروهای امنیتی به منزلش بازداشت شد. او به زندان سنندج منتقل شده است.

روز ۲۵ اسفند حسین رمضان پور یکی از معلمان شهرستان بجنورد در محل کارش بازداشت شد.

روز ۲۱ اسفند، زینب هم‌رنگ، معلم بازنشسته ای که پنج ماه پیش آزاد شده بود، بار دیگر بازداشت شد. وی پس از دستگیری به زندان اوین منتقل شد.

اسماعیل عبدی دبیرکل سابق کانون صنفی معلمان ایران و از پیشروان جنبش اعتراضی معلمان ۸ سال است که در زندان بسر میبرد. با وجود اینکه اوایل سال ۹۹ و با پایان محکومیتش

می‌بایست از زندان آزاد می‌شد اما با اجرائی شدن حکم تعلیقی ۱۰ ساله اش، نهادهای امنیتی از آزادی او ممانعت کردند. بعد نیز به رغم نقض حکمش در دیوان عالی همچنان در بازداشت ماند.

رسول بدافی نزدیک به یکسال است که با دو پرونده در زندان به سر می‌برد. او قبلاً هفت سال در زندان بود و از کار نیز اخراج شده است.

هاشم خواستار با شانزده سال حبس از خرداد ۹۸ در زندان بسر میبرد. جواد لعل محمدی روز ۲۰ مهرماه برای اجرای حکم زندانش در مشهد بازداشت شد. او سه پرونده دارد که در آخرین مورد به هشت سال زندان محکوم شده است.

در بند و تمای دستگیر شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی و توقف احضارها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید دارد. جمهوری اسلامی باید بخاطر تمام جنایاتش در سطح جهان بایکوت و از تمامی نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار و کنوانسیون جهانی حقوق کودک اخراج شود کمپین برای آزادی کارگران زندانی <https://free-them-now.com/> برگرفته از مدیای اجتماعی

مهدی فتحی در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۴۰۱ برای اجرای حکم هشت سال زندانش به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد.

محمدحسین سپهری یکی دیگر از معلمان زندانی است که در روز ۲۰ مرداد ۹۸ برای سپری کردن ۶ سال حکم روانه زندان شد.

کمپین برای آزادی کارگران زندان بر آزادی فوری معلمان زندانی، کارگران

حداقل دستمزد باید بالای خط فقر باشد و نه زیر خط مرگ



دستنوشته مردم در زاهدان در تظاهرات بزرگ چهارم فروردین مه در اعتراض به گرانی و تورم و وضعیت بد معیشتی و بی‌تامینی

میلیون خانواده‌های کارگری تحت ستم امکان پذیر است، اتحادی که میتواند بر هر قدرتی غلبه کند حتی اگر این قدرت مجهز به انواع و اقسام ابزارآلات سرکوب باشد.

نه به کلیت شورای عالی کار حداقل دستمزد باید بالای خط فقر باشد و نه زیر خط مرگ. اعتراض و اعتصاب حق مسلم کارگران.

چاره کارگران و زحمتکشانش وحدت و تشکیلات سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه دوم فروردین ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

حاکمیت ضد کارگر، از طریق شورای عالی کار، تیری دیگر را به قصد نابود کردن کارگران در لحظه پایانی سال با تمام قدرت شلیک کرد، تیری که قلب میلیون‌ها کارگر را هدف قرار گرفته است تا ثابت کنند کارگر در این جامعه سرمایه داری حق زیستن را فقط برای زنده ماندن لازم دارد نه برای زندگی کردن.

همانطور که بیشتر نیز اعلام کردیم، نمایندگان به اصطلاح کارگری به همراه نمایندگان سرمایه داری با به راه انداختن نمایش های مسخره و بی‌هوده زندگی میلیون‌ها کارگر را به بازی گرفتند و یکبار دیگر شلاق فقر و بدبختی را بر تن کارگران حق طلب و خانواده هایشان نواختند، شلاقی که هر ساله با نواختن آن آه خانواده دهها میلیونی ما را با فریادهای بلند و رسا به صدا در می‌آورد.

این حمله به سفره‌های خانواده‌های کارگران سال به سال بیشتر و آشکارتر میگردد تا بهتر ماهیت شورای عالی کار و دیگر هیولاهای غارتگر و به ظاهر همبستگی و یکدلی کارگران و دهها

حمله به معیشت کارگران؛ در ادامه...

از صفحه ۱۰ فصل جدید رفت و با اتحاد بین کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و تمامی مزدبگیران جامعه و با دست بردن به اعتصابات و اعتراضات گسترده در تمامی کارخانجات و مراکز صنعتی

تولیدی بزرگ و کلیدی، این مبارزه را به سرانجام رساند. هیئت تحریریه رسانه‌های اتحادیه آزاد کارگران ایران ۵ فروردین ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)



به مصوبه مزدی شورایی عالی کار اعتراض داریم

خواست ما افزایش بالای ۵۰ درصدی مزد در سطوح مختلف شغلی در نفت و گاز است

پشتیبانی میکند.

همانطور که بارها تاکید کرده ایم، ما کارگران، شورای عالی کار را قبول نداریم و اجازه نمیدهیم که از بالای سر ما برای زندگی و شرایط کار ما تصمیم گیری شود و آخرین و مهمترین تاکید ما بر روی افزایش فوری دستمزد ما کارگران پروژه ای نفت و گاز است.

در همین راستا، امسال با توجه به سقوط بی سابقه ارزش ریال، رشد فزاینده قیمت ها و افزایش نرخ تورم، خواهان افزایش بالای ۵۰ درصدی دستمزدهای فعلی در همه رده ها و سطوح مختلف تخصصی و شغلی بوده و از همکاران پروژه ای خود در مراکز نفت و گاز میخواهیم که یک کلام و متحد بر پایه این مطالبه قراردادهای کاری خود را منعقد کنند و به کمتر از آن

و دستمزد، برای تمام مشمولان قانون کار که در دستگاههای دولتی شاغل هستند، سقف ۲۰ درصدی افزایش حقوق تعیین کرده است و بنابراین بخشی از همکاران قراردادی ما حتی همین مصوبه ضد کارگری شورایی عالی کار نیز شامل حالشان نمی شود و با افزایش مزدی کمتری روبرو هستند. ما با اعتراضات این همکاران علیه لایحه بودجه و این تصمیم جنایتکارانه علیه وضعیت معیشتشان همراه بوده و از آن پشتیبانی میکنیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، انزجار و نفرت خود را به این درجه از توحش و تعرض به زندگی کارگر و خانواده های کارگری را اعلام کرده و از کارزارهای مبارزاتی علیه مصوبه شورای عالی کار و برای داشتن یک زندگی انسانی حمایت و

شورای عالی کار حداقل مزد کارگران را با افزایش ۲۷ درصدی برای کف بگیران و ۲۱ درصدی برای سایر سطوح مزدی، ۵ میلیون و ۳۷۰ هزار تومان تعیین کرد. این در حالیست که در آمارهای رسمی نهادهای وابسته به دولت از خط فقر ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومانی اشاره شده بود و برخی روزنامه ها هم به نقل از اقتصاددانان رقم ۳۲ میلیون تومان را برای خط فقر مطلق محاسبه کرده بودند.

تعیین دستمزد ۵ میلیونی توسط شورایی عالی کار تعرض به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه است. این تصمیم به معنی محکوم کردن جمعیت میلیونی کارگران و خانواده هایشان به فقر و گرسنگی و بی تأمین بیشتر است.

بدتر اینکه دولت در تبصره ۱۲ لایحه بودجه خود و در بخش مربوط به حقوق

رضایت ندهند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، بر اتحاد سراسری همه همکاران پروژه ای شاغل در نفت و گاز تاکید دارد و همین جا اعلام میکند که در صورت عدم قبول این مطالبه از سوی پیمانکاران و کارفرمایان، با اعتراضات گسترده ما کارگران روبرو خواهند شد.

زنده باد اتحاد کارگران

شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت

سوم فروردین ۱۴۰۲

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

به اعتراض همگانی علیه #دستمزد مصوب میبندیم!

های تشکلهای کارگری و معلمان و بازنشستگان در اعتراض به دستمزد تعیین شده توسط حاکمیت سرمایه داران حمایت میکنیم

و همانطور که در منشور زن زندگی آزادی بیست تشکل اشاره شده است:

افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نمایندههای منتخب تشکل های مستقل و سراسری آنان

را خواست خود دانسته و برای تحقق آن به مبارزه همگام با دیگر تشکلهای گام بر میداریم. ندای زنان ایران

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

شورای عالی کار دستمزد چندین برابر زیر خط فقر را تصویب کرد که در واقع حکم نابودی زندگی میلیونها خانواده را صادر کرده و کل جامعه را به فقر و تنگدستی فلاکت باری رسانده است.

این مصوبه در شرایطی صورت میگیرد که بنا به آمارهای حکومتی سبد معیشت خانوار به بالای ۳۰ میلیون تومان تخمین زده میشود و البته شاخص های رفاه را نیز باید در سبد معیشت خانوار در نظر گرفت مانند: هزینه خورد و خوراک

هزینه مسکن، هزینه درمان و تحصیل هزینه بهداشت، هزینه حداقل یک بار مسافرت در سال برای خانواده

ما حکم نابودی زندگی انسانها را تحمل نخواهیم کرد و از تمامی بیانیه

به اعتراض همگانی علیه #دستمزد مصوب میبندیم!



ما حکم نابودی زندگی انسانها را تحمل نخواهیم کرد و از تمامی بیانیه های تشکلهای کارگری و معلمان و بازنشستگان در اعتراض به دستمزد تعیین شده توسط حاکمیت سرمایه داران حمایت میکنیم و همانطور که در #منشور زن زندگی آزادی #بیست تشکل اشاره شده است:

افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکشان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نمایندههای منتخب تشکل های مستقل و سراسری آنان را خواست خود دانسته و برای تحقق آن به مبارزه همگام با دیگر تشکلهای گام بر میداریم.



تصمیم دولت و کارفرمایان به فروراندن بیشتر طبقه کارگر در اعماق فقر مطلق

خود را مانند ورق پاره ای زیر پا گذاشتند و به آن هم تمکین نکردند.

براساس داده های آماری که از معیشت و زندگی واقعی کارگران استخراج گردیده و در بیانیه دی ماه ۱۴۰۱ شکل های مستقل کارگری نیز آمده است، مبلغ ۵۳۰۸۲۸۴ به زحمت یک پنجم هزینه مایحتاج ابتدایی زندگی کارگران را پوشش می دهد. طبق تصمیمات ضدکارگری شورای عالی کار - که باید آن را شورای تحمیل فقر مطلق نامید - در آمد یک کارگر با همه مزایا (بن کارگری، حق مسکن، حق اولاد، سنوات کار و غیره) چیزی حدود ۸ تا ۸ و نیم میلیون تومان در ماه می شود که برای هزینه ده روز در ماه یک خانوار شهری ۴ نفره هم کافی نیست.

این روند، داستان چهل و چهار سال سیاست جمهوری اسلامی و حکومت غیرقابل تغییر حاکمان و منصوبان و وابستگان آنهاست که قدرت سیاسی و امتیازاتشان منوط به اجرای بی کم و کاست و بلامنازع دستور بالائی ها برای حفظ سلطه سیاسی و اقتصادی شان در جامعه است. نه از قانون کار و ماده ۴۱ آن و نه از شورای عالی کار و نه از هیچ به اصطلاح اصلاحگر اجتماعی که توهم تغییر در رفتار سیاستمداران حاکم و سرمایه داران در جهت منافع مردم را داشته باشد، نمی توان انتظار بهبودی در زندگی کارگران و تامین رفاه اجتماعی آنان داشت. این یقین ما بر پایه واقعیتهای استوار است که ولع سیری ناپذیر سرمایه داران و قدرت طلبان حاکم، منحصر به فرد بودن آنها را در انجام هر خیانت و جنایتی نشان داده است و امید بستن به آنها سرابی بیش نیست. هیچ نیروئی بجز خود کارگران متحد و آگاه قادر به بهبود وضع کنونی و آینده کارگران نیست.

طبقه کارگر ایران بزرگترین طبقه اجتماعی و مولد بیشترین ثروت های

سرانجام پس از هیاهوی چندش آور مجمع حامیان نظام سرمایه داری و گماشتگان آن یعنی «شورای عالی کار» پیرامون تصمیم گیری درباره افزایش حداقل دستمزد سال ۱۴۰۲، در روز ۲۹ اسفند ۱۴۰۱ بر اساس اراده دولت و سرمایه داران حاکم، پایه مزد اسمی ماهانه کارگران معادل رقم ۵۳۰۸۲۸۴ تومان تعیین شد. همچنین بن کارگری، ۱۱۰۰۰۰ تومان و حق مسکن ۹۰۰۰۰۰ تومان اعلام گردید. دو رقم آخر (بن کارگری و حق مسکن) که در واقع بخشی از اقلام اصلی درآمد کارگران هستند، جزء مزایا محسوب می شوند و نه مزد و از این رو همه کارگران را در بر نمی گیرند. در اکثر کارگاه ها و مراکز تولیدی، کارفرمایان با تکیه بر به اصطلاح «اصلاحیه های قانون کار و یا صرفا بر اساس زور، تهدید و حمایت مقامات رسمی، از پرداخت آنها به کارگران سرپیچی می کنند. همین امر در مورد پرداخت حق بیمه کارگران هم صادق است.

بر اساس تصمیم شورای عالی کار، افزایش اسمی حداقل دستمزد نسبت به سال گذشته معادل ۲۷ درصد است. نرخ افزایش اسمی مزدهای بالاتر از حداقل دستمزد، از ۲۷ درصد هم کمتر است و این در حالی است که نرخ تورم در سال ۱۴۰۱ حدود ۵۰ درصد بود و در سال ۱۴۰۲ نیز نرخ تورم کمتر از ۵۰ درصد نخواهد بود. بدین سان با کاهش مطلق قدرت خرید دستمزدها نسبت به سال گذشته مواجهیم. به گفته رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین، کاهش قدرت خرید کارگران در سال جاری نسبت به سال گذشته حدود ۴۰ درصد خواهد بود. نمایندگان دولت، کارفرمایان و به اصطلاح نمایندگان کارگران در شورای عالی کار که صرفا گماشتگان گوش به فرمان و جیره خوار بالائی ها هستند، حتی قانون کار نظام

یکی از مسایل اصلی و دردناک توده کارگران و اکثریت جمعیت کشور است. از این رو کارگران آگاه و دوراندیش نه تنها برای افزایش مزدها و دیگر خواست های اقتصادی و اجتماعی کارگران مبارزه می کنند بلکه لازم است برای حل اساسی مسایل کارگران به مبارزه با برنامه علیه نظام استثمارگر و ستمگر سرمایه داری و حامیان رنگارنگ آن و جلب وسیع ترین توده های کارگر و زحمتکش به این مبارزه روی آورند.

این یگانه راهی است که قادر است دستیابی به خواست های فوری و دراز مدت کارگران را فراهم سازد و برای آنان آزادی، رفاه و آسایش خاطر فراهم سازد.

۲ فروردین ۱۴۰۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل های کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان گروه اتحاد بازنشستگان نان_کار_آزادی شادی_رفاه_آبادی نابود_باد_استثمار_و_کار_مزدی (برگرفته از مدیای اجتماعی)

جامعه است. این طبقه حق دارد که از حاصل دسترنج خود بهره مند باشد و باید از دستمزدی برخوردار گردد که معیشت و رفاه اجتماعی کارگر را دست کم در سطح متوسط خانوار شهری در سطح جامعه تعیین کند. بر این اساس، چنانکه در بیانیه دی ماه شکل های کارگری بیان گردید، حداقل دستمزد ماهانه کارگران برای تامین هزینه یک خانوار متوسط (۳/۳ نفره) باید ۲۵ میلیون تومان باشد. این مبلغ برای خانواده ۴ نفره معادل ۳۰ میلیون تومان در ماه است که از سوی تشکیلی از کارگران صنعت نفت نیز اعلام شده است.

واضح است که مبلغ بالا، دستمزد پایه و حداقلی است که بخش های مختلف کارگران متناسب با سختی کار، طرح طبقه بندی مشاغل و مهارت های شغلی و اقلام دیگر نیز باید به آن افزوده گردد. همچنان که باید بارآوری کار و نوسانات افزایش تورم نیز در مقاطع مختلف سال محاسبه شود. مبارزه برای افزایش مزدها و مقابله با تصمیم ضد کارگری شورای عالی کار همچنان در دستور روز قرار دارد.

مسأله مزد تا هنگامی که نظام سرمایه داری بر جامعه حکمفرما باشد





که حکومت مثل همیشه به ابزار سرکوبش دست برد و در نتیجه تعداد بسیاری از معلمان بازداشت شدند و در جریان این تهاجم سازمانیافته برای بیش از ۲۰۰ معلم پرونده امنیتی تشکیل شد. توسل به سناریو سازی امنیتی بخشی از این سرکوبگری‌ها بود.

سرکوب معلم، یا کارگر و یا بازنشسته ای که حق و حقوقش را طلب میکند و بطور واقعی صدای اعتراض جامعه است برای حکومت کار ساده و سر راستی نیست. از همین رو متوسل به سناریو سازی امنیتی این شیوه رسوا و شناخته شده سرکوب شدند و این سیاست عملاً منجر به شکست شد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر آزادی فوری و بدون قید و شرط سیسیل کولر، ژاک پاریس، رسول بدافی، رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان مهتدی از بازداشت شدگان پرونده سناریو سازی امنیتی حکومت برای معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی و بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی تاکید میکند. حکومت اسلامی باید بخاطر همه این جنایاتش در سطح جهان بایکوت و از جمله از نهادی چون سازمان جهانی کار اخراج شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۵ فروردین ۱۴۰۲

<https://free-them-now.com/>

برگرفته از مدیای اجتماعی

سیسیل کولر می‌گوید طی ۱۱ ماهی که از بازداشت خواهرش می‌گذرد، فقط دو بار توانسته با پدر و مادرش تماس تلفنی داشته باشد. به گفته وی دولت فرانسه سیسیل کولر و ژاک پاری را "گروگان‌های دولتی" معرفی کرده است و علیرغم اینکه فرانسه و ایران معاهدات بین‌المللی را امضا کرده و هر دو کشور تحت قوانین بین‌المللی هستند، اما در مورد خواهر وی و همسرش اساسی‌ترین حقوقشان رعایت نمی‌شود.

همانطور که میدانید فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱، اعتراضات سراسری و قدرتمندی از سوی معلمین برگزار شد که دامنه اش به بیش از ۲۰۰ شهر کشیده شد. در این اعتراضات معلمان با خواستهایی چون اجرای کامل رتبه بندی و همسان سازی حقوقها و افزایش سطح دریافتی هایشان به بالای خط فقر که با رشد نجومی قیمت‌ها همواره رقم آن بالاتر می‌رود و نیز تحصیل رایگان و غیر ایدئولوژیک و آموزش به زبان مادری، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزاری معلمان زندانی، پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها به صدای اعتراض کل جامعه تبدیل شدند و بویژه مطالبه تحصیل رایگان حلقه پیوند این اعتراضات با کل جامعه بود که حمایت‌های وسیع اجتماعی را با خود همراه داشت. در برابر چنین مبارزات قدرتمند و با شکوهی بود

آخرین اخبار از سیسیل کولر، ژاک پاریس

رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان مهتدی و رسول بدافی هنوز در زنداند

برای گرفتن اعتراف اجباری این بازداشت شدگان را ساعتها و روزها زیر بازجویی و شکنجه و آزار قرار داد. اما در مقابل ایستادگی این عزیزان و نیز کارزار قدرتمندی که در حمایت از آنها با ابعادی جهانی برپا شد، حکومت راه به جایی نبرد و مجبور شد بازداشت شدگان را به تدریج از انفرادی بیرون آورد و شروع به آزاد کردن یک به یک آنها از زندان کرد. این آزاد کردنها اگر چه با قید وثیقه بود اما به معنای شکست سناریو سازی رسوای حکومت بود. از جمله ما شکست حکومتیان را در استقبال شکوهمند مردم می‌یوان از سه معلم زندانی که آزاد شده بودند دیدیم.

نکته اینجاست که هنوز تعدادی از بازداشت شدگان این پرونده از جمله سیسیل کولر و ژاک پاری و نیز رضا شهابی، حسن سعیدی، کیوان مهتدی و رسول بدافی همچنان در بازداشت بسر می‌برند که باید همه آنها فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. رسول بدافی به ۵ سال حبس محکوم شده است. او قبلاً هم هفت سال در زندان بود و از کار نیز اخراج شده است. رضا شهابی در ۲۲ اردیبهشت و حسن سعیدی در ۲۸ اردیبهشت بازداشت شدند و با ۶ سال حکم همچنان در زنداند. کیوان مهتدی در ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت و با ۵ سال حکم در زندان است.

رادیو زمانه طی گفتگویی با نومی کولر، خواهر سیسیل کولر از آخرین وضعیت وی و همسر او ژاک پاریس که در زندان جمهوری اسلامی بسر می‌برند خبر میدهد. در این گزارش خواهر

در اردیبهشت سال گذشته جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه اش علیه معلمان و مبارزات قدرتمندشان در اقدامی توطئه گرانی دو معلم فرانسوی، سیسیل کولر و همسر وی ژاک پاری را که جهت ملاقات با فعالین جنبش معلمان به ایران رفته بودند با اتهام نخ نمای جاسوسی و ایجاد آشوب در کشور بازداشت کرد. بر اساس این سناریوی ساختگی رسول بدافی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، مسعود نیکخواه از اعضای کانون صنفی معلمان دستگیر شدند. رضا شهابی و حسن سعیدی از سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و آیت‌الله اسد الهی و واله زمانی و ریحانه انصاری از فعالین اجتماعی از دیگر بازداشت شدگان این پرونده سازیه بودند. این در حالیست که سیسیل کولر عضو اتحادیه آموزش فرانسه و عضو سازمان "آموزش بین الملل" است و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز از ابتدا از اعضای این سازمان بوده است.

در تکمیل این سناریوی مهندسی شده صدا و سیمای جمهوری اسلامی با پخش یک مستند، تلاش کرد دستگیر شدگان این پرونده را به "ارتباط با نیروهای خارجی" متهم کند. خبرگزاری تسنیم، نزدیک به سپاه پاسداران نیز در گزارشی سیسیل کولر و ژاک پاری را به تلاش برای "سازماندهی آشوب و" "بی‌نظمی" متهم نمود.

بدنبال این دستگیریها حکومت ملاقات ها را برای بازداشت شدگان قطع کرد. آنان را از دارو و درمان محروم نمود.

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com